

۱ رسانه ملی و دانشگاه عمومی



۴ توهم توطئه

۷ کرسی‌های مناظره، مقرر مباحثه یا مجادله؟!

۶ گفتگوهای خواب‌آور

۸ وابستگی به شیر نفت

۱۰ وقتی سینما دکان فروش اسلحه می‌شود

۱۱ نگاهی به سریال احضار

رسانه ملی و دانشگاه عمومی

پیمان اختری



کارشناسی ارشد تولید سیما- دانشکده دین و رسانه

رهبر معظم انقلاب سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را عمده‌ترین مرکز هدایت فکری و دانشگاه بزرگ کشور می‌دانند. امام‌خامنه‌ای در دیدار با مسئولان صدا و سیما می‌فرمایند: «امروز صدا و سیما نقش بسیار مهم و همچنین تکلیف بزرگی دارد. رادیو و تلویزیون، یک دستگاه سرگرم کننده نیست؛ یک دستگاه آموزنده است. ما صدا و سیما را عمده‌ترین مرکز هدایت فکری می‌دانیم. اینکه امام گفتند صدا و سیما دانشگاه بزرگ کشور است، نخواستند تعارف کنند؛ حقیقتاً همین جور است؛ یک دانشگاه بزرگ است. امروز، دنیا با فکر و تدبیر از رادیو و تلویزیون برای آموزش- در همه شکل‌های آن- استفاده می‌کند»

رهبر فرزانه انقلاب، سهم رسانه را گاهی از سهم عملیات جنگی مهم‌تر ارزیابی می‌کنند و در این زمینه فرمودند: «مواردی اتفاق افتاد که سهم رادیو و تلویزیون در یک پیروزی نظامی، حتی بیش از سهم عملیات جنگی بود که در خود منطقه انجام می‌گرفت؛ یعنی کسی عملیات جنگی را طراحی می‌کرد، کسی تاکتیک را تعیین می‌کرد، کسی فرماندهی و اداره می‌کرد، اما عامل دیگری پیروزی را به دست می‌آورد؛ شما آن عامل را داده بودید. در دوران جنگ، واقعاً صدا و سیما مؤثر بود. من جنگ نظامی را مثال زدم؛ اما در میدان‌های سیاسی و تبلیغاتی، این معنا خیلی واضح‌تر و قابل فهم است و به خودی خود روشن و واضح می‌شود. شما واقعاً سرباز مجاهد فی سبیل الله هستید.»

رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه در دیدار با مسئولان صدا و سیما در مردادماه ۱۳۶۹ پیشنهاد می‌کنند که «واقعاً عیبی ندارد که به فکر باشید روز مناسبی را، روز صدا و سیما بگذارید»؛ دیدبان نظام اسلامی با رصد دقیق رسانه‌های بیگانه خط مشی سیاسی- فرهنگی خود را تشریح کرده و می‌فرمایند: همین صهیونیست‌ها، با پول‌های گزاف و با میلیارد‌ها دلار در سال، از طریق رادیو و تلویزیون به آموزش

سخن سردبیر

امیرحسین عزتی



کارشناسی روزنامه‌نگاری

طبق نظرسنجی‌های صورت گرفته در خصوص برنامه‌های انتخاباتی صداوسیما، حدود ۳۵ درصد مردم مناظره سوم انتخاباتی را تماشا کرده‌اند. این درصد به خوبی نشان می‌دهد که میزان توجه مردم به اصلی‌ترین برنامه‌ی انتخاباتی صداوسیما، نسبت به دوره‌های گذشته کاهش چشم‌گیری داشته است. اگرچه عدم رغبت شهروندان به پیگیری اخبار انتخاباتی دلایل متعددی دارد، اما نمی‌توان سطح کیفی نامطلوب برنامه‌ها و مناظرات انتخاباتی را در این ریزش مخاطب بی‌تاثیر دانست.

آنچه که در مناظرات تلویزیونی شاهد بودیم، این بود که اهمیت ساختار شکلی و تشریفاتی مناظرات، به مراتب بیش‌تر از ساختار درونی و محتوایی آن بود. همین امر سبب شد که کارکرد اصلی مناظرات به گوشه رانده شود و اذهان مخاطبان به حواشی موجود معطوف گردد.

اگرچه زمان محدود مناظرات، این اجازه را به نامزدها نداد که تمامی برنامه‌های خود را ارائه کنند، اما بهره‌گیری از اساتید و صاحب‌نظران سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... در به چالش کشیدن برنامه‌های نامزدها، می‌توانست بر کارایی و اثربخشی مناظرات بیفزاید.

حال باید از متولیان مناظره‌های تلویزیونی سوال کرد که مشخصاً چه کسانی در اتاق‌های فکر مناظرات حضور داشتند و این مناظرات حاصل برنامه‌ریزی و ایده‌پردازی چه کسانی بود.

پاسخ دقیق این سوال نامشخص است، اما خروجی مناظرات و اقبال عمومی مردم به خوبی نشان داد که نخبگان، دلسوزان و صاحب‌نظران کشور، جایی در این اتاق‌های فکر نداشته‌اند.

فساد می‌پردازند. رادیو تلویزیون در کشورهای وابسته که حکام فاسد استعماری در رأس آن‌ها قرار دارند، در حال آموزش غفلت، بی‌خیالی، شهوت‌رانی، عیاشی و میگساری به مردم است.

صدا و سیما دشمنان اسلام نقش دانشگاهی خود را به خوبی ایفا می‌کنند، اما این سؤال مطرح است که آیا صدا و سیما جمهوری اسلامی که با پول بیت‌المال مسلمانان مدیریت می‌شود به مطالبه امام‌المسلمین در نقش دانشگاه بودن برای تبیین و ترویج معارف قرآن و عترت لیبیک گفته و از پس کار برآمده یا خیر؟ از مهم‌ترین مسائلی که رهبر معظم انقلاب در خصوص آن بارها تذکر و هشدار داده، در سخنرانی اخیر سالگرد ارتحال امام راحل از آن به عقب‌گرد نظام نام برده و بابت این پسرفت ابراز تأسف کرده‌اند، موضوع خانواده و پیر شدن جمعیت بوده و خانواده از موضوع‌هایی است که قلب رهبر انقلاب را به درد آورده و شاید از مصادیقی است که عدم رضایت خود را از عملکرد صدا و سیما بیان کرده است. رهبر انقلاب درباره صدا و سیما در دی‌ماه ۱۳۶۸ می‌فرمایند: «این دانشگاه باید برای تدریس اصول اسلام انقلابی باشد و رادیو و تلویزیون ما باید گرایش‌های اصولی نظام را با تمام قوت و قدرت و هنر خود از آب در بیاورد و ارائه کند. جز این، وظیفه‌ای ندارد و اگر مواردی بود که برخلاف این هدف وارد صدا و سیما شد، نباید پخش کنند. هنرمندان، نویسندگان، گویندگان، مجریان، کارگردانان، هنرپیشگان و همه و همه، باید دست به دست هم بدهند تا این مفاهیم اسلامی ارزشمند و درخشنده را در صورت برنامه‌های هنری بسازند تا مردم از آن‌ها تعلیم بگیرند. مراد ما از تعلیم در صدا و سیما، سخنرانی و میزگرد و تدریس صرف نیست. صدا و سیما باید انواع و اقسام روش‌های هنری را در برنامه‌های هنری، فیلم‌ها و نمایش‌ها برای تفهیم و توضیح مفاهیم و ارزش‌های اسلامی به کار گیرد و اگر غیر از این باشد، صدا و سیما جمهوری اسلامی، صدا و سیما اسلامی نیست.

رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با مسئولان صدا و سیما در مردادماه ۱۳۶۹ می‌فرمایند: «این‌طور نباشد که به نام اسلام چیزی را بگوییم که سست باشد، یا چیزی را ببافیم که فقط

شکل، شکل اسلامی باشد؛ مثل این نماهای تلویزیونی -عکس گنبد و بارگاه و مانند آن- که شماها برای فیلم‌ها درست می‌کنید و چیزی را از دور نشان می‌دهید. ارائه چنین چیزهایی از اسلام، یک چیز پوک پوچ کم‌مایه است که فقط یک زر و زیور دروغی، آن هم ظاهری و سطحی را نشان می‌دهد. حقیقتاً بایستی مفاهیم و معارف اسلامی پخش و منعکس بشود

امروز جنگ دنیا، جنگ رسانه‌هاست. پیشرفت کارها و سیاست‌های بین‌المللی دستگاه‌های مختلف و جبهه‌های گوناگون، به‌وسیله تبلیغ، خبرسازی، مفهوم‌سازی و تبیین‌های درست و نادرست - یعنی راست و دروغ - دارد انجام می‌گیرد. تبلیغات، هم قبل از یک حرکت نظامی و اقتصادی، هم در اثنای آن، هم بعد از آن، نیاز وافر دستگاه‌هایی است که می‌خواهند در دنیا فعال باشند؛ لذا سرمایه‌گذاری هم می‌کنند، فکر هم مصرف می‌کنند و دانش هم به کار می‌برند، برای این که بتوانند این را گسترش دهند. یکی از کارهای بسیار مهمی که امروز در دستور کار آنهاست، تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی به کشور ماست. امروز این تهاجم، اوج تهاجم فرهنگی است. البته مخصوص کشور ما نیست؛ در همه‌جا این‌ها دارند کار فرهنگی می‌کنند؛ منتها ما آماج هدف آنها هستیم. بسیاری از هدف‌های استکبار جهانی در زمینه‌های تبلیغی و فرهنگی و رسانه‌ای متوجه ماست؛ ما باید در مقابل این‌ها خود را مجهز کنیم.

رسانه‌ای ما، هم باید ناظر باشد به خنثی کردن کار دشمن در داخل، هم باید ناظر باشد به ضربه‌زدن به دشمن در فضای عمومی. می‌بینید رسانه ملی چه نقش مهمی دارد. به‌نظر من همه‌ی تلاش‌ها و کارهایی که در کشور صورت می‌گیرد، به یک معنا، یک طرف؛ کار رسانه‌ی ملی - یعنی صدا و سیما - طرف دیگر. این‌ها دو جریان هستند؛ والا اگر خیلی کار انجام بگیرد، اما رسانه‌ی ملی فعال نباشد، تأثیرش بسیار کمتر از چیزی خواهد بود که باید باشد. بنابراین نقش رسانه،

به همین ترتیبی که عرض شد، بسیار مهم است ایشان در ادامه می‌فرمایند: آرایش سازمانی و رسانه‌ای ما باید به‌گونه‌ای باشد که بتوانیم همه‌ی کشور را در همه‌ی



ابعاد بیوشانیم. این آرایش باید کارآمد باشد؛ دارای قدرت انعطاف برای انطباق با شرایط گوناگون و پیش‌بینی نشده باشد؛ در برخورد با مسائل گوناگون، توانایی، سرعت و چالاکی داشته باشد؛ بتواند موضع خودش را اتخاذ کند و کار ساز باشد. ما یک مأموریت محوری برای رسانه‌ی ملی قائل هستیم، که الزاماتی دارد و این مأموریت ملی اهداف کلانی را هم با خودش همراه دارد. به نظر ما آن مأموریت محوری عبارت است از مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق رفتاری جامعه، جهت‌دهی به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب‌زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت - یعنی روحیه‌دادن - و زدودن احساس عقب‌ماندگی.

اگر این چیزها تحقق پیدا کند - که هر کدام از این‌ها شرایط و مقدماتی دارد و باید هم این مقدمات فراهم شود و تحقق پیدا کند - آنگاه شما خواهید توانست هدایت و مدیریت افکار عمومی را از لحاظ فرهنگ و اخلاق و رفتار و روحیه و امثال این‌ها کاملاً در دست داشته باشید؛ هیچ‌کس نمی‌تواند با شما در این زمینه رقابت کند.

هدف‌های کلان ما در این زمینه چیست؟

اول، ارتقاء معرفت دینی روشن‌بینانه. معرفت دینی باید ارتقاء و گسترش پیدا کند؛ اما یک معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه. دوم، رفتار دینی مخلصانه. باز روی کلمه‌ی «مخلصانه» می‌خواهم تکیه کنم. رفتارهای دینی می‌تواند ریاکارانه و متصنعانه و ظاهر‌سازانه باشد، می‌تواند مخلصانه باشد. ما باید مردم را به رفتار و عمل دینی - یعنی عمل صالح - بکشانیم و این عمل، مخلصانه از آن‌ها صادر شود.

سوم، ریشه‌دار کردن شناخت و باور به ارزش‌ها و بنیان‌های فکری انقلاب و نظام اسلامی. صرف این‌که ما در زمینه‌ی انقلاب و نظام، چیزهایی را کلیشه‌ای و شعاری تکرار کنیم، کافی نیست؛ باید نسبت به این شعارها در مردم باور حقیقی به‌وجود بیاید؛ این، کار رسانه‌ی ملی است.

چهارم، مصونیت دادن به ذهن جامعه از تأثیر مخرب تهاجم فرهنگی و ارزشی دشمن.

پنجم، باور به کارآمدی نظام...

ششم، ایجاد همگرایی عمومی و فضای همکاری و محبت

و وحدت در درون کشور و میان مردم. باید روحیه‌ی محبت، وحدت، همگرایی و ارتباط و پیوند در میان مردم تقویت شود. هفتم، آگاه‌سازی نسبت به مقوله‌های حساس؛ مثل علم، مسأله‌ی علم در کشور خیلی مهم است. با مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه، انسان به چند سرفصل محدود میرسد، که یکی از آن‌ها علم است. ما برای آینده به علم احتیاج داریم. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه و فکر، باید جدی گرفته شود. خوشبختانه زمینه‌ها کاملاً آماده و استقبال هم خیلی خوب است. مردم را نسبت به مقوله‌ی علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی، کار و ابتکار، گره‌گشا و پیشبرنده و مقولاتی از این قبیل حساس کنید.

از وظایف صدا و سیما، ارتقاء معرفت دینی و ایمان دینی است. معرفت و ایمان با هم تفاوت دارد. هم ایمان مردم باید تقویت شود، هم معرفت و شناخت آنها. باید توجه داشت ایمانی که مردم پیدا می‌کنند، سست، عوامانه، سطحی و قشری نباشد؛ به شدت از این پرهیز شود. اکتفا نشود به تغلیظ احساسات مردم و تشریفات افراطی. تأکید بر این چیزها به‌طور افراطی، اصلاً مفید نیست و به‌هیچ‌وجه تبلیغ دین محسوب نمی‌شود. این را پایه‌ی کار قرار دهید و حالا برگردید به برنامه‌های دینی صدا و سیما؛ ببینید چه کار باید بکنید و چه کار باید نکنید. برنامه‌ی دینی باید نسبت به دین شبهه‌زدا باشد، نه شبهه‌زا.

توهم توطئه

حجت اله بردبار



کارشناسی ارشد مهندسی مخابرات سیستم

مشکلات ما دانشجویها زمانی بیشتر شد که با پدیده ی کرونا مواجه شدیم و اساتیدی که نصفه و نیمه به ما اعتماد داشتند، با توجه به خیال پردازی هایی که می کردن دیگه اعتمادشون از ما سلب شد و همش می گفتن امتحاناتتونو تقلب می کنین و این حرفا. حالا بگذریم که بعضی اساتید وبکم رو به بهانه پایین آمدن سرعت اینترنتشون قطع می کنن تا راحت بتونن از روی جزواتی که دارن سریع بخونن و برن جلو. ماشالا تدریس آنلاین برا بعضی استاد خیلی خوب شده. مثلاً طرف میاد با سرعتی دوبرابر سرعت کلاس های حضوری مطالبو میگه و توقع داره ما بتونیم دنبال کنیم و اعتراض هم که می کنی بی فایده!

با این دیدگاهی که اساتید داشتن، اومدن درجه سختی سوالات رو به گفته خودشون حداقل ۲ تا ۳ برابر کردن و از اون طرف زمان امتحان رو هم کم کردن. مدام هم که تاکید می کنن بنویسین دیگه بابا امتحان که کتاب بازه!!! حالا یا نمیدونن یا خودشون زدن به کوچه علی چپ که زمان ده دقیقه ای برای سوال پونزده قسمتی اونم از نوع سوالات محاسباتی جوریه که حتی فرصت نمیکنی صورت سوالو بخونی چه برسه به اینکه بخوای کتاب رو هم باز کنی!

علاوه بر این، مسئولین دانشگاه میان میگن که میخوایم کمک هزینه هاتونو دوبرابر کنیم و جلسه گذاشتیم و تصویب شده و بعد از دوماه تاخیر توی واریز هزینه ها میبینی که اومدن به همون صورت قبل واریز کردن. میگی چرا؟ میگن بهمون بودجه ندادن که! خب اگه ندادن چرا دوماه زودتر اومدی اینو به لیست افتخارات اضافه کردی مسئول عزیز و هر روز هم ازش با افتخار یاد می کردی؟!

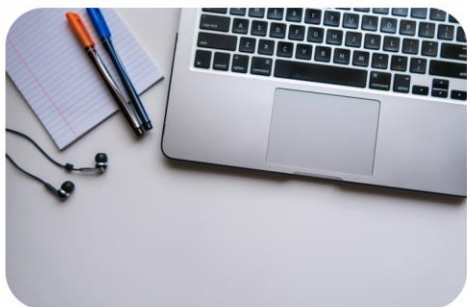
بریم سر وقت کلاسای آنلاین که یکی از مهمترین دغدغه های ما دانشجویهاست. توی کلاسای آنلاین، جواب استاد رو میدی، میگه از روی کتاب میگی و خودت بلد نیستی و نمره

نمیدم. جواب نمیدی میگه چرا بلد نیستی و اصلاً چرا میای کلاس وقتی میبینی بازدهی نداره؟ کلاً توپ رو میندازن توی زمین ما و همش توهم توطئه دارن که نکنه یه موقع ما علیه شون شورش کنیم! آقای استاد، باشه حرف شما قبول. ما بد. شما خوب باش لااقل و ملاحظه مارو هم بکن. والا بخدا! تازه یه چیزیم هس. قبلاً می رفتی جلو دفتر استاد بالاخره سوالی داشتی، اعتراضی داشتی اونو می گفتی و معمولاً هم تایید می کردن و خیلی وقتاً هم عملیش نمی کردن. الان اوضاع فرق کرده. استاد راجع به همه چی میاد بهت گیر میده اعتراض هم که می کنی نمره رو کم میکنه. مورد بوده که دانشجوی اومده حرفای استاد رو عیناً که مرتبط با سوال بوده در بخش جواب نوشته بعد استاد گفته غلطه. خب فدایت شوم یه موقع فکر نمی کنی داری خودتو اون مطالبی که با سرعت نور درس دادی رو زیر سوال می بری استاد گرامی؟! یه موضوع دیگه هم هست. قبلاً استاد رو نمی تونستی گیر بیاری می نشست جلوی دفترش تا بالاخره بیاد. حالا به استاد پیام میدی، سین میکنه جواب نمیده!!!

در زمان امتحانات مجازی استاد فکر میکنم ما داریم هاروارد درس می خونیم ولی در زمان تدریس میرن به سبک بدترین کشور در حوزه آموزش عمل میکنن. طبیعتاً اعتراض هم که می کنی خودت باختی!

یه بحثی که این روزا مطرحه، رفتن برق ناگهانی! جالبه که برق خونه ی استاد بره مشکلی نیست و کلاس تشکیل نمیشه اما خدای نکرده کافیه که برق خونه ی دانشجو بره. استاد میگه از عمد برقو قطع کردی که جواب ندی و اگه اینجوریه اعتراف کن تا نمره ندیم! انصافاً اگر از توهم توطئه نمیداد پس از چی میاد؟!

حضور ی کار داری میری دانشگاه، جلوی درب اجازه ورود نمیدن. میگی بابا این کارت دانشجوییمه و من دانشجوی اینجام بخدا. میگه نه قبول نیس. در دوران کرونا کارت دانشجویی ارزش نداره که. باید آفیش بشی. میگی باشه. زنگ میزنی آفیش کنن یا اصلاً جواب تلفنتو نمیدن یا اینکه اگر هم جوابتو بدن تو رو گردن نمی گیرن! هر چی میگی بابا کار داشتیم که اومدم. خودتون گفتی بیا این مدارکو تحویل بده، نیومدیم شما کادر محترم که جواب تلفن نمیدی رو



می‌گیرن. میگن سوالارو تک تک نشون می‌دیم و امکان بازگشت به عقب و این تشکیلاتو نداره. آخه بزرگوار، بهترین دانشگاه‌هایی هم که آنلاین پیش میرن و قبل از کرونا هم بخشی از آموزشون آنلاین بود، یه مقداری کاربرپسند تر اقدام می‌کنن و این همه بدبینی به قشر دانشجو رو ندارن و در حوزه پیشرفت علم هم خیلی از ما جلوتر هستن. دلیلشم اعتماد داشتن به دانشجو هس! می‌گه نه اینجا قانون خودشو داره و بنا بر اینه که شما سواستفاده نکنی!

جلسه‌ی امتحانات اگه حضوری باشه و یهو بخوای بری قضای حاجت کنی مشکلی پیش نمیداد اما امتحان مجازی و به قول خودشون کتاب باز رو اجازه نداری از پای سیستم تگون بخوری و می‌گه امتحان هم شفاهیه و هم کتبی. وقتی هم می‌خواهی اجازه بگیري می‌گن اجازه نداری چون معلوم نیس می‌خواهی بری چیکار کنی!

کاش میشد این توهم توطئه رو اساتید محترم کنار بذارن و یه مقداری به فکر دانشجو باشن در این دورانی که واقعا مقصر به وجود اومدنش ما نیستیم. والا بخدا ما هم اومدیم درس بخونیم و دیگه خوب نیست این همه اذیتمون کنن که!

ببینیم که! مورد بوده مسئول دانشگاه اومده گیر داده که چرا ازدواج نمی‌کنین؟ اونم گفته خب عزیز من، الان اگه من ازدواج کنم باید کنار درس کار کنم و شما از من تعهد گرفتی که فقط درستو بخون و ما بهت کمک هزینه تحصیلی میدیم و اگه کار کنی مدرکت مشکل دار میشه و این حرفا! بعد بهش میگی عزیز من یه موقع احيانا این کمک هزینه ها اذیتتون نمیکنه؟ می‌گه نه! میگی اما با زندگی من داره کاری میکنه که آلمان با لهستان نکردا!!! جالبم هست وقتی دلیل درست و حسابی می‌خواهی میگن ما که دانشجو بودیم با نون خشکم زندگی می‌کردیم و اوقات می‌گذروندیم! خب حالا بیاییم بررسی کنیم این کمک هزینه‌ای که به ما میدن و این همه توقع دارن بنظر تون جواب همون نون خشک هم میده؟! من که بعید میدونم!

باز میگی آقا قبول ما با کمک هزینه‌ی بسیار زیادی!!! که میدی بریم ازدواج کنیم حله؟ می‌گه اره خوبه. میگی خب رفتم اونجا بگم چی دارم؟ می‌گه برو بگو می‌خوان توی فرم امتیازبندی بهم امتیاز بدن!!! آخه مگه زندگی بازی کامپیوتریه که زور برنیم تا امتیاز بگیریم؟!

آموزش مجازی فقط اونجاش لذت بخشه که استاده داره درس میده و یهو فرزندش میاد سیم برق رو برمی‌داره میره و طبیعتاً کلاس تعطیل میشه. حالا اگه ما سر کلاسی برقمون بره و غیب بشیم، اونوقت به جرم ترک کردن عمدی کلاس و یا امتحان باهامون برخورد جدی میکنن!

این توهمی که بعضی اساتید دچارش به بدترین حالت ممکن داره روی روند تحصیلی ما تاثیر می‌داره. اعتراض می‌کنی طرف برمی‌گردد می‌گه شما به ضرورتون نمیشه که، فقط دارین اذیت می‌شین! دلیل این هم ازشون می‌خواهی میگن که این اذیتا هم لازمه تا یه وقت توطئه نکنین و فکر سواستفاده به سرتون نزنه. کلاً انگار این احترام در فضای آموزش مجازی خیلی خیلی دیگه دوطرفس!!! بعضی وقتا اساتید فنونی راروی ما اجرا می‌کنن که هنوزم اون بخشا توی هاروارد قفله و باید چقدر مرحله بگذرونی تا امتیاز لازم رو بگیری و این مراحل برات باز بشه. اما اینجا که هاروارد نیست. از اول همه مراحل برای اذیت کردن دانشجو بازه!

یه سامانه هم دارن برا آموزش مجازی که توش امتحان هم



کرسی‌های مناظره، مقر مباحثه یا مجادله؟!

کوثر جوادی

کارشناسی روزنامه‌نگاری



گفتگوها و مناظره‌ها به اشکال گوناگون و روش‌های مختلفی در برنامه‌ها و شبکه‌های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شوند. یکی از مهم‌ترین گفتگوها، مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری است.

مناظره‌های تلویزیونی نامزدهای ریاست جمهوری که هر چهار سال یک بار قبل از انتخابات انجام می‌شود نسبت به سایر برنامه‌های گفتگو محور، جذاب‌تر، پرتعدادتر و نماد جریان آزاد اطلاعاتی است.

طبق نظرسنجی‌ها، در سال‌های اخیر این مناظره‌ها تأثیر زیادی در پیروزی نامزد نهایی داشته است؛ اما سوال این است که آیا در این مناظره‌ها به سوالات و انتظارات اصلی مردم به درستی پاسخ داده می‌شود یا مسائل حاشیه‌ای آتن را پر می‌کند؟! مناظره باید صریح، شفاف و صادقانه باشد و نامزدها می‌بایست به جای سخنرانی، مناظره کلیشه‌ای و تشریفاتی به پرسش‌ها پاسخ داده و به نقد و بررسی دیدگاه‌های یکدیگر بپردازند.

مهم‌ترین نکته‌ای که وجود مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری را لازم می‌کند این است که داوطلبان ریاست قوه مجریه برنامه‌ها و راهکارهای خود را در اختیار مردم قرار داده و از اصلح بودن خود برای این منصب دفاع کنند.

در میان صدها مسئله‌ای که وجود دارد، مردم انتظار دارند نامزدها و صد البته صداسو سیما مسائل کلیدی و اصلی کشور را در دستور کار خود قرار دهند و از مسائلی که اذهان را از امور مهم و سرنوشت‌ساز دور می‌کند بپرهیزند؛ مسائلی که بعضاً در مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری کشور به چشم خورده است و کیفیت مناظره‌ها را دچار اخلال کرده است. قطعاً مجری برنامه‌های مناظره نقش ویژه‌ای در کنترل روند مناظره دارد و در واقع اوست که می‌تواند جریان گفتگوها را هدایت و نیاز اطلاعاتی مخاطب را برطرف کند؛ بنابراین انتخاب مجری که شایستگی لازم را داشته باشد از اهم وظایف مسئولین ذیربط برای گفتگوهای مربوط به

انتخابات ریاست جمهوری است.

مردم توقع دارند نامزدهای انتخابات که همه از میان چهره‌های شناخته شده و با گرایش‌های مختلف سیاسی کشور هستند و سابقه سالیان متمادی کار و مسئولیت در کشور دارند، اخلاق را سرلوحه همه امور قرار داده و از سیاه‌نمایی و تخریب یکدیگر خودداری کنند.

در مناظره‌هایمان مشاهده شد که بعضاً گفتگو به جدل تبدیل می‌شود و هر یک از طرفین می‌کوشند تا با دستیابی به نقاط ضعف و افکار و آرای دیگری و بزرگنمایی و حتی هوچی‌گری، طرف دیگر را به چالش بکشاند!

در واقع این نوع مناظره شاید مخاطب را جلوی تلویزیون نگه دارد تا حواشی را دنبال کند، اما هیچ سود و نتیجه‌ای در بر نداشته و حتی به انتخاب مردم نیز لطمه می‌زند.

کاندیداهایی شک باید عملکرد قابل تقدیر را بیان و ناکامی‌ها را با آمار و ارقام صحیح مورد نقد قرار دهند.

باید از توسل به شیوه‌های عملیات روانی و تخریب طرف مقابل خودداری کنند و به جای نفی رقیبان، به اثبات برنامه‌ها و کارآمدی خود بپردازند.

البته انتقادات صریح به عملکردهای اجرایی نباید نادیده گرفته شوند؛ چرا که مناظره نه جای تعارف است و نه جای تخریب! مسئله مهمی که در همه مناظره‌ها دیده می‌شود، بحث وعده و وعید و رویکردهای عوام‌فریبانه است.

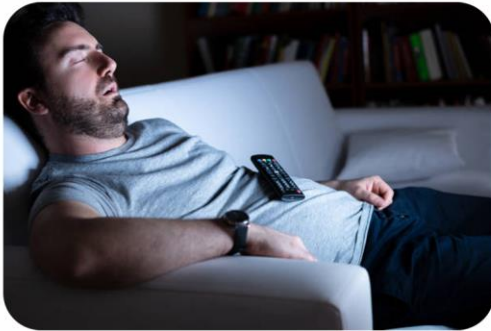
برخی از نامزدها اقدام به دادن وعده و وعید می‌کنند، در حالی که عدم تحقق این وعده‌ها و نداشتن صلاحیت این امر برای نامزدهای دیگر روشن است.

در این صورت انتظار می‌رود دیگر نامزدها با صدور دلایل و

گفت‌گوهای خواب‌آور

سید محمد اسماعیل عرب جعفری

کارشناسی روزنامه‌نگاری



کنترل تلویزیون را در دستانم داشتم و یکی یکی شبکه‌ها را ورق می‌زد، به برنامه‌ای برخوردی که صحبت‌های جالبی از سوی کارشناس مربوطه مطرح می‌شد. برنامه‌ای گفت‌وگو محور که مجری سئوالاتی می‌پرسید و کارشناس پاسخ می‌داد؛ در حین صحبت‌های کارشناس نیز؛ مجری حرکات سر و چهره‌ای از خود به‌عنوان تایید نشان می‌داد. در همان حین سئوالاتی در ذهنم ایجاد شده بود که دوست داشتم مجری آن‌ها را بپرسد ولی شاید مجری دقت کمتری داشت یا این که صرفاً یکسری سئوالات مشخص شده را برای پرسش آماده داشت؛ کمی با دقت بیشتری برنامه را تماشا می‌کردم؛ اما ناگهان سنگینی را در پلک‌هایم حس کردم و خواب بر من چیره شد ...

برنامه‌هایی که حول محور گفت‌وگو می‌چرخد، در تلویزیون طرفداران مشخصی با توجه به موضوع برنامه دارد. این برنامه‌ها موضوعات مختلفی از جمله سیاست، اقتصاد، روزمرگی‌ها، ورزش، مدیریت، فلسفه و معنویت، پزشکی، روان‌شناسی و ... را دربرمی‌گیرد که در گفت‌وگوهای ویژه خبری با شکل جدی‌تر آن رویه‌رو هستیم. اما گاهی با مشکلاتی چه از لحاظ محتوا، و چه از نظر فرم و قالب در این برنامه‌ها رویه‌رو هستیم؛ مشکلاتی که باعث دلزدگی و پس‌زدن برنامه‌ی مدنظر مخاطبان می‌شود. البته یک وجه این موضوع به فضای مجازی، شبکه‌های اینترنتی و

استدلال‌های درست، مانع از انحراف فکری و ذهنی مخاطبان شوند و در انتخاب درست مردم تأثیرگذار باشند. مناظره‌های صدا و سیما باید فاقد مسائل حاشیه‌ای و غیرواقعی باشند و باید به واقعیت‌ها و برنامه‌های دولت آینده بپردازند؛ چراکه اکثریت مردم بر اساس آنچه در این مناظره‌ها رخ می‌دهد انتخاب می‌کنند و می‌توان گفت مناظره‌ها در سرنوشت چهارساله کشور و چه بسا در سرنوشت چندین ساله ملت نقش اساسی و تعیین کننده دارد.

دیگر مسئله مهمی که در هدایت و جریان برنامه‌های گفتگو محور انتخاباتی وجود دارد این است که مناظره‌ها نباید شبیه به تریبون آزاد باشند. در این صورت هر کاندیدا هر مسئله ای را که مد نظر دارد مطرح خواهد کرد و به جای اینکه به پرسش‌های مردم پاسخ دهد، گفتگو وارد فضای هیجانی و حتی مسائل غیرمرتبط خواهد شد.

بنابراین کنترل پرسش و پاسخ‌ها و اظهار نظرها بر عهده عوامل برنامه، به‌ویژه مجری برنامه خواهد بود. برخی از گفتارها و مباحث مطرح شده در مناظره عملاً بازی کردن در زمین دشمن است! مناظره‌ها نباید هیجان کاذب ایجاد کنند، بلکه باید ارائه دهنده دلایلی برای انتخاب اصلح باشند. دلایلی که مردم را اقناع و آن‌ها را به مشارکت و آینده کشور امیدوارتر می‌کند.

علاوه بر این مسائل، عوامل برنامه‌های انتخاباتی باید در طرح سوالات، سبک پرسش و پاسخ، شیوه نقد نامزدها، گفتگوهای دو جانبه یا چند جانبه بین نامزدها و به طور کلی حرکت گفتگوها در گود مسائل مهم و اساسی کشور دقت فراوانی داشته باشند.

مناظره تنها جای مطرح کردن مسائل سیاسی و یا مباحث جناحی نیست و همه امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی باید مورد توجه نامزدها باشد و تذکر این امور نیز بر عهده عوامل برنامه‌های انتخاباتی در صدا و سیما است. بدون شک برگزاری درست و هدایت صحیح مناظره‌ها در افکار عمومی، انتخاب اصلح و حضور در انتخابات تأثیرگذار خواهد بود؛ چرا که مردم می‌دانند سالی که نکوست از بهارش پیداست!

و گو محور می‌تواند نقش بسزایی در آگاهی مردم و همین‌طور شرح و بیان مشکلات جامعه و مردم، و ارائه راه‌حل‌ها و دربرگیری آن از سوی مردم، کارشناسان و کاندیداها داشته باشد. برنامه‌هایی که باید ضعف‌های خود را کنار بگذارند و به شیوه‌ی جدید و گیرا خود را برای مخاطبان نشان دهند.

وابستگی به شیر نفت!

سید حسین نجفی

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه



وابستگی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به بودجه‌های دولتی و درآمدهای حاصل از تبلیغات بازرگانی باعث شده است در شرايطی که دولت و بخش خصوصی دچار مشکلات اقتصادی جدی هستند، فشارهای مضاعف مالی و رسانه‌ای بر این سازمان تحمیل شود. لذا در این راستا پژوهش‌های متعددی در راستای شناسایی راهکارهای کاهش وابستگی سازمان به دولت انجام شده است، همچنین افرادی معتقد هستند که عوامل درونی و بیرونی در سازمان باعث افزایش هزینه‌ها و منشا مشکلات مالی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است که باید شناسایی و مدیریت شود. عواملی چون مشکلات ساختاری، مدیریت برنامه‌ریزی، فرآیند تولید و تأمین، مدیریت فن‌آوری، فرهنگ سازمانی، مدیریت تأمین و مدیریت مالی از دل این پژوهش‌ها استخراج می‌گردد. نتایج حاصل از پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که افزایش هزینه‌ها بیش از فرآیند تولید و تأمین محتوا در حوزه پشتیبانی و ستادی سازمان صورت می‌گیرد.

سایر رسانه‌هایی برمی‌گردد که بیشتر به مخاطبان خود توجه دارند. برنامه‌های گفت‌وگو محور تلویزیون با وجود اینکه از نظر دکور و صحنه، طراحی نسبتاً خوبی دارند، اما از لحاظ کشش و انعطاف برنامه کمی غیرفعال و گاهی بدون خلاقیت ظاهر می‌شوند. به این صورت که صرفاً دونفر روبه‌روی یکدیگر نشست‌اند و به صحبت در موضوع مربوطه می‌پردازند؛ در صورتی که باتوجه به امکانات و دسترسی‌های امروزی، می‌توانند چند کارشناس دیگر را به صورت مجازی به برنامه دعوت کنند. این موضوع خود تنوعی برای مخاطب دارد و از جنبه دیگر باعث می‌شود که بحث پر و بال بگیرد و روند کند برنامه شکلی سریع‌تر به خود بگیرد. این ایراد به گفت‌وگوهای خبری هم وارد است؛ گفت‌وگوهایی که روندی خشک و خسته‌کننده در پی دارد؛ در صورتی که می‌توان با فضای موجود به بررسی، ارائه جدول و آمار و نمودارهای مربوطه و همین‌طور ارتباط گیری با سوژه‌ها و متخصصان در همان گفت‌وگو به روشن‌تر شدن، کشش و سرعت برنامه افزود و گفت‌وگو را از حالت سخنرانی صرف درآورد.

نکته‌ی دیگر، روند برنامه‌هاست که بیشتر در موضوعی ثابت ادامه دارد و از روند بررسی، تحلیل و پاسخگویی سؤالاتی که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود به دور است، مخصوصاً در برنامه‌هایی که موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روز جامعه را در بر دارد. چه بسا ارتباط گیری با مخاطبان نیز گاهی ضعیف صورت می‌گیرد. اما روند برنامه‌ها یک‌نواختی و ثبات خاصی را دارد که از چالشی شدن و رسیدن به بحث‌های اصلی جلوگیری می‌کند. در این‌جا سواد، آگاهی و شجاعت مجری تأثیر زیادی دارد و اینکه سیاست‌گذاری‌های برنامه مانع از آن نشود و دخالت‌هایی که ارگان‌های دولتی صورت می‌گیرد به وسیله مدیران و مسئولان سازمان خنثی شود. چنان که برنامه‌های خوبی مانند زاویه، ثریا، شوکران و عصرانه این روند را داشتند که در نهایت به تعطیلی و ضبط شدن برخی از آن‌ها منجر شد!

در روزهای فعلی با توجه به تجربه‌ی برنامه‌های انتخاباتی، انتظارات از صداوسیما تغییر کرده است و برنامه‌های گفت

بیش از نیمی از این هزینه جاری از محل بودجه عمومی دولت تأمین شده و مابقی از محل درآمدهای اختصاصی سازمان صداوسیما - که حجم بالایی از آن را تبلیغات بازرگانی و برنامه‌های مشارکتی تشکیل می‌دهد - تأمین شده است که نشان دهنده وابستگی شدید سازمان صداوسیما به جمهوری اسلامی ایران به بودجه‌های دولتی و درآمدهای تبلیغاتی است.

از چالش‌های وابستگی مالی صداوسیما به دولت که بگذریم، درباره استقلال مالی بنگاه‌های پخش رادیو تلویزیونی خدمات همگانی در جهان اطلاعات بسنده‌ای در کتاب نظریه‌های جامعه اطلاعاتی به چشم می‌خورد. در بخشی از این کتاب که به نحوه شکل‌گیری بی‌بی‌سی می‌پردازد، اینطور آمده است که: «پخش رادیو تلویزیونی خدمات همگانی (PSB) را شاید بتوان گونه‌ای تلقی کرد که از نظر نهادی در عملکرد روزمره خود از فشارهای سیاسی، بازرگانی، و حتی خواسته‌های مخاطبان آزاد است و تحت تأثیر جبرهای ناشی از رویه‌های بازرگانی شرکت‌ها نیست، به آسانی در دسترس و بهره‌برداری همگان قرار دارد و تنها در اختیار کسانی نیست که می‌توانند پذیره نویسی کنند یا توجه آگاهی دهندگان و پشتیبانان مالی را به خاطر درآمد، به خود جلب کنند. برخی از ویژگی‌های (PSB) باور بورگن هابرماس را از گستره همگانی بازی می‌تاباند، که از همه مهم‌تر جایگاه مستقل از دولت و بازار است؛ که براساس آن‌ها کارگزاران (PSB) بر ارتباطات سالم و دستکاری نشده و توان دسترسی همگان بدون در نظر گرفتن درآمد یا دارایی‌شان، پافشاری می‌کنند. بی‌بی‌سی (بنگاه رادیو تلویزیونی بریتانیا) با بنیانگذاری در دهه‌های آغازین سده بیستم، هوشمندانه برای کارهای دارای فاصله با حوزه بازرگانی طراحی شده بود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که خدمات پخش باید توسط شرکتی عمومی رهبری شود که به عنوان امانتدار منافع ملی کار می‌کند و جایگاه و کارکردهایش باید با بخش عمومی برابر باشد. به این ترتیب بی‌بی‌سی انحصار پخش رادیو تلویزیونی را به دست آورد و بودجه‌اش از مالیات اجباری بر گیرندگان (هزینه پروانه) رسانه‌های بی‌سیم و سپس تلویزیون برآورده شد».

شاید همه این‌ها تنها گوشه‌ای از راه کار جهانیان برای رفع

مشکلات بودجه بنگاه‌های رادیو تلویزیونی خدمات همگانی باشد و موفقیت و عدم موفقیت هر کدام از این رویه‌ها هنوز در ایران کاملاً مشخص نیست.

برون‌سپاری تولید و تبدیل عوامل تولید درون سازمان به پیمانکار خصوصی، تدوین نظام برون‌سپاری تولیدات سازمان به همراه رتبه‌بندی و ارزیابی تهیه کنندگان، اعمال نظام جذب، رشد و ارتقاء نیروی انسانی در جهت افزایش بهره‌وری نیروی انسانی سازمان، اعمال نظام مدیریت فناوری از مرحله انتخاب تا مراحل جذب، پیاده‌سازی، آموزش و به کارگیری و ارتقاء فناوری، واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه سازمان، اختصاص بودجه به واحدهای هزینه‌ای و کنترل پروژه‌های کلان سازمان و برنامه‌های مناسبتی جهت کنترل هزینه‌ها، استانداردسازی فرآیندهای سازمانی و... بخشی از اصلی‌ترین راهکارهای یافته شده جهت کاهش هزینه‌ها در سازمان صداوسیما در پژوهش‌های انجام شده است.

هاله‌ای از ابهام!

مهدی دهقانی

کارشناسی ارشد تلویزیون



معمولاً هر کس که کنکور می‌دهد و وارد دانشگاه می‌شود، با علاقه و یک سری برنامه‌های از پیش تعیین شده در رشته مورد نظرش سعی می‌کند که ادامه تحصیل دهد، اما آیا وقتی فارغ‌التحصیل می‌شود در همان رشته‌ی دانشگاهی خود می‌تواند مشغول به کار شود یا چیزی شبیه راننده اسنپ می‌شود؟! این موضوع مشخص نیست و بسته به هر فردی متفاوت است. این قاعده هم در دانشگاه صدا و سیما مستثنی نیست. اما چرا؟



می‌آید و سرنوشت‌شان چه می‌شود؟ بخصوص وقتی بفهمند زمانی که برای انتخاب این سرنوشت گذاشته‌اند، حالا سوخت شده است. بنابراین بهتر است این هاله‌ای ابهام را به هر طریقی برطرف کرد تا سرنوشت دانشجویان جوری دیگر رقم بخورد.

وقتی سینما دکان فروش اسلحه می‌شود!

احمد قجاوند



کارشناسی ارشد مدیریت رسانه

اینکه سینما چه ظرفیت‌های کم‌نظیر و منحصر به فردی دارد بر کسی پوشیده نیست، ولی اینکه ما چقدر از این قابلیت‌های ما را شناسیم و یا تلاش کرده‌ایم که شناسیم جای حرف و بررسی دارد. «هالیوود» دقیقاً نهایت همان استفاده‌ای است که هر کشوری باید از سینما، نه فقط به عنوان وسیله‌ای برای نمایش فیلم و فراهم کردن اوقاتی خوش و خرم برای مردم، که برای پیشبرد اهداف دلخواه در مقیاس کلان بکند و «آمریکا» سالیان سال است که هم به این ظرفیت‌ها پی برده و هم داخل و خارج مرزهایش را حسابی «سرگرم» کرده است!



طبیعت تفکر آمریکایی، سلطه بر همه چیز و همه کس است و این سلطه نه ارزان است و نه با دست خالی انجام می‌شود. دست‌ها را پر باید کرد، اما با چه؟ با بیل و کلنگ که نمی‌شود سایر ممالک را سر عقل آورد و کاری کرد که جلویت خم و راست شوند! اسلحه لازم است اما نه به تعداد کافی! که هر چه بیشتر بهتر!

نمی‌دانیم که این موضوع را باید از چه کسی پرسیم. اینکه چرا برای ورود به دانشگاه سخت‌گیری می‌شود جای بحث دارد که واردش نمی‌شوم. اما این سخت‌گیری در پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان نیز وجود دارد؛ با این تفاوت که وقتی دانشجو پذیرفته شد دیگر استخدام شده و روزگار بر وفق مرادش می‌شود. اما متأسفانه در این‌جا از این خبرها نیست و پذیرفته شدن تازه اول راه جنگیدن برای رسیدن به سازمان است. پس از پروسه مصاحبه و پذیرش باید تلاش کرد تا امتیاز لازم را برای استخدام در سازمان بدست آورد. این امتیاز در کمیته‌ی بعد از فارغ التحصیلی برای دانشجویان تعیین می‌شود. اما آیا در اینکه ما بتوانیم امتیاز لازم را بدست آوریم دست‌مان باز است یا خیر؟

برای مثال اگر بخواهیم به سازمان رفته و از فضای آن بایه‌ره لازم را ببریم یا تلاش کنیم که در دانشگاه کانونی راه‌اندازی کنیم، شاید چنین اجازه‌ای به ما داده نشود که جوابش را خود کسانی که باید بدانند، می‌دانند! سوال این‌جاست مگر ما دانشجوی آن سازمان نیستیم که باید از چنین مزایایی محروم باشیم؟ از طرفی این امتیازات لازم را با وجود این محرومیت‌ها چگونه می‌توانیم به‌دست آوریم؟ بخصوص در این ایام کرونا که اصلاً رنگ دانشگاه را نمی‌بینیم که بخواهیم کاری انجام دهیم. فقط باید خدا را شکر کنیم که با وجود گرانی‌ها، کمک هزینه‌ی ناچیزی در اختیارمان قرار داده‌اند که دل‌ها خوش باشد و با آن بتوانیم امرار معاش کنیم! که البته به هیچ وجه به کمک هزینه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان نمی‌رسد؛ آن‌هایی که نه خبری از امتیازبندی دارند، نه دغدغه بیمه شدن و از این جور مسائل. چرا که از بدو ورود به دانشگاه استخدام می‌شوند، اما دانشگاه‌ها با اینکه دانشجویان خود را بورسیه می‌کند، باز هم استخدام دانشجویان در هاله‌ای از ابهام است! این ابهام باعث شده اگر کسی که قرار است کنکور دهد و وارد رشته‌های این دانشگاه شود، که نظرش عوض شده و به رشته‌های دیگری فکر کند. اگر هم با این دید که معلوم نیست سرنوشتش چه می‌شود به میدان بیاید و در واقع پی همه چیز را به تنش بمالد، واقعا جای تحسین دارد. به راستی اگر این دانشجویان با وجود این همه محرومیت به ایده آل خود نرسند و در نهایت استخدام سازمان نشوند، چه بر سرشان



حالا اسلحه تولید کنند که چه بشود؟ که دیگران بخرند، دیگران بجنگند، بمیرند و وقتی حسابی فرسوده شدند آنها مثل «فیلم هایشان» وارد صحنه شوند و ادامه ماجرا! در این کتاب هم به عراق و افغانستان به عنوان دو نمونه از قربانیان این طرز فکر آمریکایی ها اشاره می‌شود.

کم کم پازل دارد کامل میشود. «بازی های ویدئویی جنگی» به عنوان یک صنعت پول ساز برای آمریکا، هم ما را سرگرم می‌کنند و هم با حفظ سمت نقش معرفی اسلحه های تولید شده در کارخانه های اسلحه سازی این کشور را به عهده گرفته‌اند. نزدیک به دو دهه است که دولت آمریکا برای این بخش از بازی های ویدئویی، یعنی بازی های ویدئویی در ژانر «جنگی» هم حسابی پول خرج میکند و هم حسابی تبلیغ میکند!

و بالای سر همه اینها «پنتاگون»، شما بخوانید دولت آمریکا، به عنوان حامی، هماهنگ کننده و مغز متفکر این سناریو قرار دارد که تعیین می‌کند هر کس وظیفه‌اش چیست!

برای کسانی که علاقه مند هستند نقش رسانه های آمریکایی از هالیوود تا بازی های ویدئویی جنگی را در سیاست های بین المللی این کشور ببینند و قدری هم با تاریخ و ریشه این نوع استفاده از رسانه، از هر نوع آن، آشنا شوند حتما مطالعه این کتاب پیشنهاد می‌شود.

نگاهی به سریال «احضار»

زهرا قربانی رضوان



کارشناسی کارگردانی تلویزیون

علیرضا افخمی کارگردانی فیلم احضار را بر عهده گرفته است.

علیرضا افخمی در کارنامه کاری خود تجربه ساخت سریال «او یک فرشته بود» را به همراه دارد و با سریال احضار بار دیگر به میدان آمد. احضار که با توجه به ضعف های ساختاری توانست نام خود را به عنوان پرمخاطب ترین سریال مناسبتی ماه رمضان ۱۴۰۰ ثبت کند و نشان دهد که هنوز هم تماشاگران تلویزیون مشتاق تماشای سریال هایی با مضامین عرفانی هستند.

دلیل اصلی ترغیب مخاطب به تماشای این سریال ابتدا لوگو و تیزر آن بود که نشان از محتوای عرفان های کاذب و احضار روح بود و مخاطب را بیش از پیش به

سال های طولانی است که مخاطبان تلویزیون دیگر شاهد مضامین ماورایی و تسخیر روح و از این دست موضوعات نبوده‌اند. در سال های گذشته فیلم های نسبتا خوبی مانند «او یک فرشته بود»، «اغما»، «پنجمین خورشید» و «پنج کیلومتر تا بهشت» در قاف تلویزیون تماشاگران را راضی نگه داشته بودند، اما با گذشت زمان جای خالی این موضوعات به شدت احساس می‌شد. سرانجام در آغاز سال و با مشاهده تبلیغات تلویزیونی در شبکه اول سیمما شاهد بودیم



با مضامین عرفانی که نیاز به نقش‌های باورپذیرتر دارد. کارگردان سریال احضار قصد القای وحشت را ندارد، اما درست در نماهایی که روح کامرانی احضار می‌شود اتاق مملو از نمادهای کفرآمیز و شیطانی است و موسیقی نیز به مخاطب وحشت القا می‌کند و همچنین نمایی که ساکن و بی روح است، مخاطب را بین دو راهی ترس و تعجب قرار می‌دهد. نمایی که نه قوت نشان دادن ترس را دارد نه قوت القای مضمون دیگر.

در پی واکنش‌ها به سطح کیفی سریال احضار، مجید اکبر شاهی، مدیر گروه فیلم و سریال سیما فیلم، گفت: «احساس نمی‌کنم کیفیت سریال‌های رمضان پایین است. احضار در درام و قصه نظیر ندارد!» او همچنین ادامه داد: «از نظر ما کیفیت مطلوب است، یک سری هم نقد دارند، به هر حال همیشه به کارها نقد وارد می‌شود. به نظرم هنوز زود است که کارها را قضاوت کنیم. من با قاطعیت می‌گویم سریالی مثل احضار به لحاظ درام و قصه شاید در دو سال گذشته نظیر ندارد و من کاری که اینچنین قصه درست، منسجم، روان و پر کششی داشته باشد به خاطر نمی‌آورم.»

با تماشای پشت صحنه سریال شاهد این هستیم که دیالوگ‌های قسمت آخر تازه و در همان زمان به دست بازیگران رسیده و خود آن‌ها نیز از این مورد با خنده صحبت می‌کنند. چطور می‌توان به شخصیت و بطن نقش رسید وقتی درست در زمان ضبط و فیلمبرداری متن تازه به دست بازیگر رسیده است.

اکنون سلیقه و انتظار مخاطبان تلویزیون روز به روز با پیشرفت صنعت سریال‌سازی و فیلم‌سازی افزایش یافته است و باید دید که تلویزیون می‌تواند این مخاطبان را راضی نگه دارد یا خیر.

سریال علاقمند می‌کرد. نماد فراماسونری، چشم جهان بین و نمادهای دیگر باعث بروز مخالفت‌هایی شد، اما کارگردان فیلم معتقد بود تمام این نمادها و نشانه‌ها با مضامین و محتوای سریال منطبق است و وجود آن‌ها به ویژه در لوگوی سریال دلیل بر نفی برگزاری این جلسات است. حال با به پایان رسیدن این سریال و تماشای قسمت آخر این سوال پیش می‌آید که آیا احضار به اهدافی که برای آن متصور شده بود رسید یا خیر؟ آیا مخاطب به آگاهی درباره عرفان‌های کاذب و عدم شرکت در محافل احضار روح نزدیک شد یا خیر؟ باید گفت سریال احضار را می‌توان به عنوان ضعیف‌ترین کار در کارنامه علیرضا افخمی ثبت کرد.

احضار روایتی است از زهره و مائده که دختر عمه و دختر دایی هستند. محسن کامرانی که پیش‌تر با مائده در ارتباط بوده با او قطع رابطه می‌کند و حال قصد ازدواج با مائده را دارد. زهره و مائده به سفر شمال می‌روند اما متوجه می‌شوند که کامرانی برای آن‌ها از زهره خواستگاری کند، همراه آن‌ها به شمال رفته. هنگام بازگشت به تهران در یک تعقیب و گریز ماشین کامرانی به دره سقوط می‌کند و به علت خونریزی مغزی جان خود را از دست می‌دهد و داستان از اینجا آغاز می‌شود. نبود منطق داستانی و روایی اینجا مشخص می‌شود؛ درست زمانی که مخاطب این سوال را می‌کند که چرا باید در شمال خواستگاری کند؟ می‌توانست در محیط دانشگاه پس از بازگشت او این کار را انجام دهد.

استفاده از بازیگران ناشناخته یکی از ریسک‌های بزرگ هر کارگردانی است. گاهی این اقدام همچون سریال نون‌خ مورد استقبال قرار می‌گیرد و گاهی همچون سریال احضار باعث دور شدن مخاطب از داستان می‌شود، بخصوص سریال‌هایی



گزارش تصویری از طرح ولایت

عکاس: پیمان اختری

کارشناسی ارشد تولید دانشکده قم



• شناسنامه

مدیرمسئول: محمدرضا شیری مشعوف

سرمدیر: امیرحسین عزتی

برای همکاری با ما و ارتباط با هیئت تحریریه، باشناسه‌ی زیر

در پیام رسان تلگرام در ارتباط باشید: @nabz_iribu